

چرا ناامید باشیم وقتی که پیروزیم؟

بیش از دو هفته مبارزه، چندین شهید، چند هزار دستگیری، و ... این انتظاری را ایجاد کرده است که باید سریع به موفقیت نهایی برسیم. عقده های چندین ساله مردم از بی عدالتی و توهین سر باز کرده است و انتظار است که یک دفعه کار یکسره شود! حال که با سرعت مطلوبشان کار پیش نرفته است مایوس شده اند که البته تا حدودی طبیعی است.

اما درست این است که به خود و اطرافیانمان یادآور شویم که در حقیقت یکی از بزرگترین پیروزیهای تاریخ ملت ایران در مدت کوتاه یک ماه اتفاق افتاده است! و باید به دستاوردهای فوق العاده ای که به دست آورده ایم به خود ببالیم:



در جریان چهار سال گذشته و به خصوص در جریان انتخابات، عموم مردم به آگاهی فوق العاده ای رسیدند و متوجه اهمیت مسایل مهمی مانند اهمیت کارشناسی، اهمیت برنامه ریزی، خطر سواستفاده از مذهب و امام زمان در جهت فساد، خرافات مذهبی، فساد در قدرت و ... شده اند.

• وجهه مردم ایران در جهان از یک ملت خشن و تروریست که کاری جز فریاد مرگ و فحش دادن در خیابان ندارد و هیچ منطقی را نمی پذیرد اکنون به ملتی شجاع، با فرهنگ و اهل آرامش تغییر کرده است که تظاهرات سه میلیونی را در سکوت و آرامش برگزار میکند و دنیا این ملت را در بند حکومتی مستبد و خونخوار میبیند. این پیشرفت بسیار بزرگی است که به طرز معجزه آسایی اتفاق افتاد. تمام پول نفت را هم خرج تبلیغات ترمیم وجهه ملی میگردیم و هزاران طومار اینترنتی برای خلیج فارس و فیلم 300 امضا میگردیم نمیتوانست حتی یک دهم این هم اثر داشته باشد.

• در پی تقلب و کودتای انتخاباتی، اکثریت مردم حتی بسیاری از آنهایی که به احمدی نژاد رای داده بودند متوجه ظلم و بی عدالتی سردمداران و مدعیان عدل علی شدند. همه آنها اکنون متوجه هستند که روبرویشان جریان فاسد و کودتاگری است که به راحتی دروغ میگوید، ارزشی برای نظر مردم قایل نیست و آنها را خس و خاشاک میداند، حاضر به کتک زدن و کشتن مردم بیگناه با سواستفاده از نام اسلام برای حفظ منافع مالی و قدرت نامشروع خود است. مردم اکنون ماهیت خامنه ای، احمدی نژاد دروغگو و دار و دسته

فاسدش، قاضی مرتضوی، شورای نگهبان، فرماندهان سپاه و نیروی انتظامی، شکنجه گاه اوین، فرماندهان رانت خوار بسیج، و صدا و سیمای دروغگو را به خوبی میشناسند. یک لحظه فکر کنید که چند سال و چقدر باید زحمت میکشیدید که این اطلاعات را به همه مردم برسانید؟ دست دشمن درد نکند، خودشان زحمتش را کشیدند!

. مردم اکنون همدیگر را میشناسند. میدانند که در خیابان با هم بودند. میدانند که اغتشاشگر نیستند. میدانند که شبها با هم الله اکبر میگویند. میدانند که با هم هستند و میدانند که دشمنشان کیست. چنین همبستگی بی خارق العاده نیست؟

خیلی از افرادی که معتقد به این حکومت بودند منجمله خانواده شهدا، رزمندگان قدیم، بسیاری از آیات عظام و مراجع تقلید بعد از ظلم های اخیر، کشتار مردم و ... به خوبی متوجه شده اند که اهداف انقلاب 57 و آرمانهای امام خمینی همانند رای مردم توسط عده ای فاسد و مستبد افراطی دزدیده شده است. دیگر حکومت مشروعیتی پیش آنها ندارد و دقت کنید که آنها مهمترین تکیه گاه حکومت در طی سالها بوده اند. علامت این موضوع را میتوانید در تعداد کم افراد عادی در جشن پیروزی احمدی نژاد و خطبه نماز جمعه خامنه ای ببینید که ناچار میشوند با اتوبوس جیره خوارها را برای حفظ ظاهر بیاورند.

. بطور کلی تکلیف و موضع مردم و نظام روشن شد و در حقیقت خودی ها رفتار و موضع خشن و محکوم خود را با سیل ناخودی ها روشن کردند و این تنها ناشی از حضور خودجوش و باورپذیر مردم صورت پذیرفت
پس افسردگی، آیه یاس خواندن و ... بس است. خوشحال باشیم. موفقیتی که تاکنون در این مدت کوتاه بدست آورده ایم آن قدر ارزشمند است که افسردگی ما مانند کسی میماند که دنبال گنجی از الماس بوده است و اکنون گنج طلا بدست آورده است و از این خسران (!) افسرده شده است!